

کدهای اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر

مرتضی قاسمی خواه^۱، محمد تقی سبحانی نیا^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

در جهان امروز مهاجرت روندی رو به افزایش یافته و اشتغال یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مهاجرت است. حکومت‌ها در قبال مهاجران ورودی و خروجی، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی دارند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای به تبیین کدهای اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته است. اخلاق مهاجرت به طور عام و مسئولیت اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار به طور خاص در پژوهش‌ها و مجامع بین‌الملل مغفول مانده است. در برخی امور زیرشاخه‌ای مهاجرت مانند گردشگری، نظام‌نامه‌های جهانی اخلاقی تدوین شده اما در مبحث مهم مهاجرت جز قوانینی حقوقی، توجه چندانی به مباحث اخلاقی نشده است. این مقاله با برشمردن مسئولیت‌های اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار پنجره جدیدی به روی پژوهشگران و سیاستمداران باز می‌کند. مهاجرت حق هر انسانی است. در نگاه نخست، حق هر انسانی است که در هر جایی که علاقه دارد اقامت گزیند و شغل مناسب خود را انتخاب نماید و حکومت‌ها در نگاه نخست، نمی‌توانند و نباید مانع آنان شوند. حکومت‌ها از نظر اخلاقی نمی‌توانند نسبت به مهاجران کار بی‌تفاوت باشند. حاکمیت در قبال حقوق شهروندان و حقوق مهاجران، مسئولیت حقوقی دارد. حقوق شهروندان بر حاکمیت در اولویت است. چالش‌ها و آسیب‌های مهاجرت حکومت‌ها را وامی‌دارد به خاطر رعایت مصالح شهروندان از پذیرش بی‌رویه مهاجران جلوگیری کنند. لحاظ حقوق شهروندی، مسئولیت حاکمیت در قبال مهاجران را سلب نمی‌کند؛ بلکه حکومت‌ها با اولویت دادن به مصالح شهروندان خود باید در ادای حقوق مهاجران به ویژه مهاجران قانونی کار کوشا باشند.

واژه‌های کلیدی: کدهای اخلاقی، حاکمیت، مهاجرت کاری، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

طبقه‌بندی JEL: M16, J08, J61, K37, K38

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی-اخلاق اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول):

(armantalab1@gmail.com)

۲. استادیار گروه اخلاق، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران.

مقدمه

مهاجرت امری است که در جامعه رخ می‌دهد و گریزی از آن نیست. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های مهاجرت، اشتغال و کسب درآمد است (موحدی و سامیان، ۱۳۹۷). رها نمودن مهاجرت به طور مطلق و یا ممانعت از مهاجرت به صورت کلی، آسیب‌های فراوانی به دنبال خواهد داشت. مهاجرت درون مرزهای هر مملکتی و اقامت در هر نقطه‌ای از کشور حق هر شهروند است (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۳). اصل آزادی انتخاب شغل در قوانین مختلف مورد توجه قرار گرفته شده و به عنوان یکی از حقوق مسلم انسان پذیرفته شده است: هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند (همان، ماده ۲۳). با ضمیمه کردن حق مهاجرت آزاد و حق انتخاب شغل آزادانه می‌توان نتیجه گرفت: هر انسانی به طور طبیعی حق انتخاب شغل مناسب را دارد و می‌تواند برای یافتن شغل مناسب با شأن خود به هر کجایی که می‌خواهد مهاجرت نماید. مهاجرت می‌تواند ضامن انتخاب شغل مناسب برای افراد باشد و اخلاق مهاجرت نیز می‌تواند از آن حمایت کند.

مهاجرت مستلزم مسئولیت‌ها و تکالیف اخلاقی خاصی است که اخلاق مهاجرت متکفل تبیین چنین مسئولیت‌هایی است. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها در موضوع اخلاق مهاجرت، مسئولیت‌های اخلاقی حاکمیت در قبال مهاجران ورودی کار است.

سوال اصلی مقاله کنونی این است که کدهای اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ چیست؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است و حقوقی را مورد توجه قرار داده که تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها از آن برخوردارند. این اعلامیه به بیش از ۵۰۰ زبان ترجمه شده و مفاد آن به صورت گسترده‌ای توسط کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شده است.^۲ پژوهش‌های بسیار گوناگونی بر اساس این اعلامیه جهانی صورت گرفته؛ اما به طور خاص تا کنون پژوهشی درباره مسئولیت‌های اخلاقی حاکمیت در رابطه با مهاجران ورودی کار بر اساس این اعلامیه صورت نگرفته است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و آسان شدن حمل و نقل، مهاجرت گسترش چشمگیری یافته است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳). از این رو انجام این قبیل پژوهش‌ها برای ارائه پاسخ به پرسش‌ها و ارائه راهکار اخلاقی برای حل مشکلات در موضوع مهاجرت، ضروری است.

این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی و با نوع کتابخانه‌ای است به تبیین کدهای اخلاقی حکومت‌ها در قبال مهاجران ورودی کار از منظر اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته است. در این مقاله کدهای اخلاقی مربوط به مسئولیت حاکمیت در ارتباط با مهاجرت کاری استخراج و تبیین شده است.

^۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در مجمع بین‌المللی سازمان ملل متحد در پاریس).

Universal Declaration of Human Rights.

The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) is a milestone document in the history of human rights. Drafted by representatives with different legal and cultural backgrounds from all regions of the world, the Declaration was proclaimed by the United Nations General Assembly in Paris on 10 December 1948 (General Assembly resolution 217 A) as a common standard of achievements for all peoples and all nations.

^۲ <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>.

مسئولیت‌های اخلاقی حکومت‌ها درباره مهاجرت ممکن است درون‌مرزی و مربوط به داخل کشور باشد و ممکن است برون‌مرزی و مربوط به خارج از کشور باشد. مسئولیت حکومت‌ها نسبت به مهاجرت برون‌مرزی نیز نسبت به دو حوزه مهاجران ورودی و خروجی است. در مقاله کنونی فقط مسئولیت حکومت‌ها نسبت به مهاجران ورودی کار بررسی شده است.

ضرورت توجه به اخلاق در مسئله مهاجرت

مهاجرت قدمتی به درازای بشریت دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷) و (علمی، ۱۳۹۸). اما امروزه به واسطه مرزهای جغرافیایی و نیز فرهنگ‌های متفاوت و حساسیت‌های فرهنگی، دینی و بسیاری امور دیگر دستخوش تغییرات چشمگیری شده و مهاجرت کاری نیز گسترش فزاینده‌ای یافته است. گسترش فراوان مهاجرت و نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی در برخی موارد چالش‌هایی برای کشورها و حکومت‌ها به دنبال داشته است. این آسیب‌ها و چالش‌ها موجب شده است دولت‌ها برای حفظ امنیت و مصالح مردم خود قوانینی وضع کنند به گونه‌ای که گاهی آسیب جدی به مهاجران و مهاجرت وارد ساخته و بعضاً جان مهاجران را به خطر انداخته (جوزف کارنز، ۲۰۱۴) و با بی‌احترامی به کرامت انسانی اثرات مخربی در جامعه جهانی به جای نهاده است. یکی از راهکارهایی که غالباً برای کنترل رفتارها چه در بُعد فردی و چه در بُعد حرفه‌ای و سازمانی به کار گرفته می‌شود، روش حقوقی و ابزار بیرونی قانون است. این ابزار اگرچه قدرتمند است، علاوه بر این که هزینه‌ی بالایی را می‌طلبد، از ورود به بسیاری از حوزه‌های فردی و اجتماعی ناتوان است و نیز ماهیتاً قادر به کنترل بسیاری از رفتارها نیست. «اخلاق» جایگزین بدیل قوانین حقوقی و یا همیار مناسب ابزارهای بیرونی است (امید، ۱۳۸۰). اخلاق می‌تواند تعدیل‌کننده خواسته‌های انسان و مهارکننده غرائز و نیروهای درونی او در تعارضات شخصی افراد باشد و می‌تواند با تصحیح رفتار و جلوگیری از تجاوزها به تعارضات میان خواسته‌های افراد جامعه پایان دهد.

عدم توجه به اخلاق در مبحث مهاجرت اثرات زیان‌باری برای همگان به دنبال خواهد داشت. جایگزین کردن اصول اخلاقی، به عنوان بدیلی برای قوانین خشک، می‌تواند تا حدودی راه برون‌رفت از این مشکل را نشان دهد. اصول اخلاقی «قانون حقوقی» نیستند و ابزار بیرونی چندانی ندارند ولی اصولی غالباً عرف‌پسندان و ضمانت‌اجرایی آن درونی و شخصیت و وجدان افراد مخاطب است.

عجیب است که در مجامع بین‌الملل درباره برخی امور زیرشاخه‌ای مهاجرت مانند گردشگری و مسافرت، نظام‌نامه‌های جهانی اخلاقی تدوین شده است.^۲ اما در مبحث مهم مهاجرت جز قوانینی حقوقی توجه چندانی به مباحث اخلاقی نشده است.

مدیریت مهاجرت بدون توجه به چارچوب‌ها و موازین اخلاقی قادر به فعالیت کارآمد و اثربخش نیست؛ لذا توجه به اصول اخلاقی در مدیریت مهاجرت ضروری می‌نماید. برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مهاجرت

^۱. Joseph H. Carens.

^۲. کد جهانی گردشگری در سیزدهمین نشست مجمع جهانی جهانگردی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۹۹ مطرح شد و اصول ۱۰ گانه‌ی آن در تاریخ ۲۶ اکتبر سال ۲۰۰۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.

با هدف ارتقای مهاجرت، اخلاق با تاکید بر اصول انسانی، خودآگاهی انسان و آزادی افراد، اصولی با مقبولیت عامه پایه‌گذاری می‌کند که باعث برقراری رابطه برد-برد میان مهاجران و شهروندان جوامع گردد و بدین‌سان رفتارهای ذی‌نفعان حوزه مهاجرت را بهینه‌سازی می‌کند و نقش اساسی خود را ایفا می‌کند. اخلاق در این پژوهش ناظر به بُعد اخلاق کاربردی است. مهاجرت یک مسئله دشوار و یکی از مصادیق اخلاق کاربردی است. در این پژوهش می‌کوشیم تا راهنمایی اخلاقی را با توصیف موقعیت مهاجرت و سپس بیان اینکه در هر مورد چه باید کرد فراهم کنیم.

در پژوهش کنونی در صدد آن نیستیم که افراد مهاجر یا حکومت‌ها بر اساس وضع قانون و ... وادار و مجبور به برخی رفتارها شوند بلکه تلاش می‌کنیم از نظر فردی، معرفت بیشتری نسبت به واقعیت مهاجرت ارائه دهیم و نسبت به برخی مباحث آن، وضوح مفهومی بیشتری بیان کنیم و مسئولیت‌های اخلاقی در این موضوع را تبیین کنیم تا کسانی که در مسئله مهاجرت نیازمند راهنمایی هستند بتوانند با دقت بیشتری بیاندیشند و نهایتاً با انگیزه‌هایی درونی و با توجه به توصیه‌ها و رهنمودهای یاد شده در این مقاله، خودشان تصمیم‌گیر نهایی باشند.

همچنین تلاش می‌کنیم از جهت اجتماعی و سیاسی به نحوی مباحث ارائه شود که آزادی افراد متزلزل نشود و مشروعیت، قدرت و ... حکومت‌ها نیز آسیب نبیند. «مسائل سیاسی عمدتاً بر محور رابطه تعاملی فرد و جامعه و حکومت استوار است. ... اخلاق و سیاست هدف مشترکی دارند و سعادت، غایت این دو علم است. ... سعادت و بهروزی انسان تنها در حیات اجتماعی تحقق‌پذیر است و اصلاح حیات اجتماعی تنها در سایه سیاست صحیح» (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸). در صددیم با رابطه تعاملی اخلاق و سیاست، افراد و حکومت‌ها را درباره مسئله بغرنج مهاجرت -بالاخص نسبت به مهاجران ورودی کار- یاری رسانیم.

مفاهیم

الف - مسئولیت اخلاقی حاکمیت

«مسئولیت» و «در معرض مجازات بودن» به یک معنا است. در معرض مجازات بودن یکی از لوازم مسئولیت است. مسئولیت به معنای خواسته شدن چیزی از کسی است و در مواردی به کار می‌رود که خواهان (سائل) بتواند خواسته خود را از خواننده (مسئول) پیگیری نماید و حداقل وی را درباره رفتار مطابق یا مخالف خواسته خود و پیامدهای آن پاسخ‌گو دانسته، مورد سوال و بازخواست قرار دهد و لازمه آن این است که مسئول متناسب با نوع رفتار خود، مورد تحسین یا تقبیح و در مواردی مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرد. در نتیجه مسئولیت در جایی معقول است که «مسئول» نسبت به امر مورد سوال، وظیفه و تکلیفی داشته باشد.

گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌ها نیز می‌توانند مسئول دانسته شوند. به این معنا که بسیاری از مسئولیت‌های اخلاقی افراد در درون سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و به سبب عضویت آنان در تشکیلات خاصی شکل می‌گیرد و در اصل، هر سازمان و نهادی به لحاظ اعضای آن مسئول شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

درباره مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها گفته شده است:

تجلی فضایل اخلاقی در مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق دیگران است. وقتی از پاسخ‌گو بودن سخن می‌رود، مراد این است که X در برابر حقوق Y مسئولیت دارد. اگر مراد از X سازمان باشد، در این صورت مسئولیت‌پذیری فردی از شخصیت حقیقی به شخصیت حقوقی ارتقا می‌یابد و این امر سبب تفاوت ماهوی در پاسخ‌گویی می‌گردد. سازمان شخصیت حقوقی‌ای است که نسبت به اشخاص حقیقی، در سرنوشت جامعه و حقوق مردم بسیار موثرتر است. به همین دلیل باید نسبت به حقوق همه افراد و نهادهایی که در محیط داخل و خارج (مستقیم یا غیرمستقیم) آن سازمان قرار دارند پاسخ‌گو باشد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳).

درباره چستی سازمان نیز گفته‌اند:

سازمان جمع جبری افراد نیست، بلکه تالیفی از افراد است که هویت جمعی خاصی را به میان می‌آورد. شخصیت حقوقی مؤثری در جامعه متولد می‌گردد. افراد عوض می‌شوند اما سازمان همچنان ماندگار است. سازمان دارای عملکرد و آثار مخرب یا سازنده است و می‌تواند حقوق افراد را حفظ کند یا از بین ببرد (همان). مسئولیت حاکمیت از سنخ مسئولیت حقوقی است و حاکمیت هم در قبال حقوق شهروندان خود و هم در برابر حقوق مهاجران مسئولیت دارد. حاکمیت تالیفی از سران مملکتی بلند رتبه است که هویت جمعی خاصی را به میان می‌آورد؛ بنابراین اگر حکومت و یا جامعه‌ای مسئول کاری دانسته می‌شود یا برای آنها وظیفه‌ای بیان می‌شود ناظر به اعضای آن حکومت و جامعه است. در حقیقت سران آن حکومت و یا افرادی که چنین کارهایی برای آنها تعریف شده است و یا از آنان مورد انتظار است باید به سرانجام رسیدن چنین وظایف اجتماعی را دنبال کنند و چه بسا برخی افراد پایین جامعه نسبت به برخی از این وظایف مسئولیت چندانی نداشته باشند.

ج- مهاجرت

مهاجرت از عوامل اصلی تغییر جمعیت است. به جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی مهاجرت اطلاق می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۲).

د- شغل/کار

در زبان فارسی درباره شغل اصطلاحات مشابهی مانند کار، حرفه، پیشه، صنعت، فعالیت اقتصادی و ... وجود دارد. فعالیت تولیدی یا کار، پیش از هر نوع فعالیت دیگری بخش عمده زندگی اکثر مردم را اشغال می‌کند (گیدنز، آنتونی،^۱ ۱۳۷۷). تنها اقلیت بسیار کوچکی از ثروتمندان در رأس نظام طبقاتی می‌توانند از قیل سرمایه‌گذاری زندگی کنند. برای اکثر مردم، بیکاری وضعیت خوشایندی نیست. «تجربه بیکاری برای کسانی که به داشتن شغل ثابت و مطمئن عادت کرده‌اند می‌تواند بسیار ناراحت‌کننده باشد ... در جوامع امروزی داشتن شغل برای حفظ عزت نفس فرد مهم است.» (همان).

«مطالعه نهادهای اقتصادی در جامعه‌شناسی دارای اهمیت زیادی است، زیرا اقتصاد کم و بیش بر همه بخش‌های دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد و تأثیر فعالیت‌های اقتصادی در هر جامعه‌ای قابل ملاحظه است.» (همان).

^۱. Giddens Anthony.

در مطالعه مسائل کار و اقتصاد، نمی‌توان توجه خود را فقط بر افرادی که در وضعیت اشتغال ثابت تمام وقت هستند متمرکز کرد. بلکه جوانان، فرزندان و زنان که مستقیماً در مشاغل مزدبگیر نیستند نیز باید مورد توجه قرار گیرند. چه بسا یک فرد برای شغل خود مهاجرت کند و افراد دیگری از اعضای خانواده خود و یا دیگران نیز به طور ناخواسته همراه او شوند و مسائل این افراد نیز بالتبع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی اخلاقی باز بودن یا بسته بودن مرزها

یکی از مباحثی که در مطالعات مهاجرت در منابع فارسی و عربی، یا کلاً مشاهده نشد و یا بسیار جزئی بود ولی در مطالعات لاتین اخلاق مهاجرت مورد توجه قرار گرفته است، بحث «آزاد بودن یا بسته بودن مرزها» است. یعنی اخلاق درباره باز بودن و بسته بودن مرزها چه حکمی دارد؟ طبیعتاً نمود بارز این بحث در مهاجرت بین کشورهای است و کلاً به مرزهای داخلی اشاره ندارد و یا به ندرت اشاره دارد. بحثی که در این مقاله درباره باز بودن و بسته بودن مرزها بیان می‌شود فقط به مرزهای کشورهای اشاره دارد و مرزهای داخلی را مورد توجه قرار نداده است.

بسته بودن مرزها می‌تواند دارای دو جهت باشد. یکی بستن مرز به روی متقاضیان ورود به کشور و دوم بستن مرز به روی متقاضیان خروج از کشور. مطالعات لاتین که درباره بسته بودن مرزها استدلال می‌کنند نظر به بستن مرز از سوی دولت به روی متقاضیان ورود به کشور دارند و می‌خواهند چنین جلوه دهند که کار دولت‌ها درباره بستن مرز به روی متقاضیان ورود، کاری اخلاقی است نه غیراخلاقی و یا حتی نه ضداخلاقی. اما محققان کشورهای کم‌تر توسعه یافته در بحث فرار مغزها و خروج متخصصان از کشور چنین بحث می‌کنند که باید دولت‌ها راهکارهایی را عملیاتی کنند تا مغزها و متخصصان از کشور خارج نشود. با توجه به اینکه مقاله کنونی درباره مهاجران ورودی است، بحث ما نیز بستن یا باز بودن مرز به روی مهاجران ورودی است و نظری به مهاجران خروجی ندارد.

محدودیت مهاجرت از نظر اخلاقی چه زمانی توجیه می‌شود؟ در مورد این سوال اساسی در فلسفه سیاسی مهاجرت اختلاف نظر قابل توجهی وجود دارد، زیرا این بحث اغلب به عنوان اختلاف بین دو گروه انجام می‌شود که هر کدام می‌خواهند یک «حق» قلمداد کنند. گروه اول، مدافعان مرزهای باز هستند که از «حق مهاجرت» یا «حقوق انسان برای مهاجرت» و «عبور آزادانه از مرزها» دفاع می‌کنند. گروه دیگر کسانی هستند که از «حق محروم کردن»، «حق کنترل مرزهای خود» یا «حق انتخاب سیاست پذیرش» یک کشور پذیرنده حمایت می‌کنند (کالب یونگ^۱، ۲۰۱۷).

^۱. Caleb Yong.

به گفته دیوید میلر^۱، مهاجرت از حقوق انسان نیست. برعکس، کایران او برمن^۲ پرونده مهاجرت را به عنوان یک حق انسانی مطرح می‌کند. بحث اینکه مهاجرت «حق» است یا خیر، به تعادل صحیح میان منافع شهروندان یک کشور مشخص با منافع مهاجران بستگی دارد (دیوید مارتینز^۳ و الکساندر الیوت^۴، ۲۰۲۱).

«کریستوفر هیث ولمن»^۵ درباره بستن مرزها و «دفاع از حق اخراج» می‌نگارد:

از نظر من، دولت‌های سیاسی مشروع از لحاظ اخلاقی حق دارند سیاست‌های مهاجرتی خود را یک جانبه طراحی و اجرا کنند، حتی اگر این سیاست‌ها مهاجران احتمالی (بالقوه) را که ناامیدانه می‌خواهند وارد شوند محروم نماید. استدلال برای این نتیجه‌گیری ساده تنها مستلزم سه زمینه اصلی است: (۱) دولت‌های مشروع، حق تعیین سرنوشت سیاسی خود را دارند. (۲) آزادی اجتماع جزء جدایی‌ناپذیر و لاینفک خودمختاری است و (۳) آزادی اجتماع اجازه می‌دهد تا با دیگران ارتباط برقرار نکنید (آزادی اجتماع این حق را به اجتماع می‌دهد که اجازه ارتباط با دیگران را ندهند). بر اساس این استدلال، نتیجه می‌گیرم که دولت‌های مشروع ممکن است تصمیم به ارتباط با خارجی‌ها، از جمله مهاجران بالقوه، نداشته باشند (هرچند این ارتباط از نظر مهاجران مناسب به نظر برسد)؛ (ولمن، ۲۰۱۱).

در مقابل «جوزف کارنز»^۶ درباره باز بودن مرزها و «دفاع از حق مهاجرت» می‌نویسد:

اکثر مردم فکر می‌کنند کشورها از نظر اخلاقی حق دارند مرزهای خود را کنترل کنند. کنترل اختیاری مرزها در مهاجرت با اصول اساسی دموکراتیک سازگار نیست و عدالت به مرزهای باز نیاز دارد (جوزف کارنز^۷، ۲۰۱۳). باید بین «رفتار سیاسی دولت‌ها درباره مهاجرت» با «بررسی اخلاقی مسئله مهاجرت» تفاوت قائل شد. یک طرف قضیه این است که مهاجرت حق مردم است و همچنین مردم حق دارند بعد از آنکه به کشوری مهاجرت کردند، در آن اقامت کنند. مخصوصاً با توجه به این که در حال حاضر وضعیت بسیار بد و دشواری وجود دارد - مثل خطر نسل‌کشی - که در این شرایط مردم حق دارند مهاجرت کنند. از طرف دیگر کسانی هم هستند که فکر می‌کنند سیاست‌های مهاجرت به جای توجه به حق مردم، باید بر حق کشورها تأکید داشته باشد؛ یعنی کشورها حق دارند خودشان تصمیم بگیرند که چه کسی می‌تواند در کشورشان زندگی کند. با پذیرش اینکه شهروندان یک کشور حق قانونی و اخلاقی دارند که خودشان مشخص کنند چه کسی را به کشورشان راه دهند، نمی‌توان منطقاً نتیجه گرفت که هر تصمیمی بگیرند قابل دفاع است. به نظر من امروزه همه موافق باشند که کنار گذاشتن افراد بر اساس نژاد یا مذهب از نظر اخلاقی نادرست است؛ حتی اگر مسئله مردمی که در حال فرار از نسل‌کشی هستند را نیز در نظر نگیریم و حتی اگر این فرض کلی را نیز بپذیریم که دولت‌های دموکراتیک باید قادر باشند مهاجرت را کنترل کنند، باز محدودیت‌های اخلاقی در زمینه مهاجرت وجود خواهد داشت (جوزف کارنز^۸، ۲۰۱۴).

¹. David Miller.

². Kieran Oberman.

³. David Martinez.

⁴. Alexander Elliott.

⁵. Christopher Heath Wellman and Phillip Cole.

⁶. Joseph H. Carens.

⁷. Joseph H. Carens.

⁸. Joseph H. Carens.

برخی تصور می‌کنند زبان اخلاقی در بحث مهاجرت و شهروندی با هنجار حاکمیت دولت ناسازگار است؛ زیرا از منظر آنان ایالت‌ها باید در سیاست‌های مهاجرت و شهروندی خود آزاد باشند و از مداخلات بیرونی عاری باشند. از این منظر، سؤالاتی در مورد مهاجرت و شهروندی باید به افراد خودمختار واگذار شود تا خودشان پاسخ دهند. در نهایت، باید به عهده مردم آمریکا باشد که بگویند چه کسی ممکن است یک آمریکایی شود و یا هر کشور دیگری؛ حتی اگر تصمیم آنان برای مهاجران بد باشد.

این نوع تلاش برای محافظت از سیاست‌های مهاجرت و شهروندی از نظر اخلاقی بررسی غلطی است. این سوال که «آیا یک سیاست خاص از نظر اخلاقی قابل قبول است؟» با این سوال که «چه کسی باید صلاحیت تعیین سیاست را داشته باشد؟» اشتباه و خلط شده است. می‌توان تصور کرد که کسی حق اخلاقی برای تصمیم‌گیری داشته باشد ولی تصمیم او از نظر اخلاقی اشتباه باشد (جوزف کارنز، ۲۰۱۳).

سپس جوزف برای اینکه نشان دهد گاهی اوقات تصمیم‌های کشورهای دموکراتیک با اینکه اکثریت افراد آن را پذیرفته و درست انگاشته بودند از نظر اخلاقی غلط بوده است نمونه‌هایی را ذکر می‌کند.

چند نمونه خاص در رابطه با مهاجرت و شهروندی را در نظر بگیرید. در اواخر قرن نوزدهم، ایالات متحده قانون تحریم چینی‌ها را تصویب کرد که موجب شد مردم چین از مهاجرت به ایالات متحده ممنوع باشند و مقرر کردند که مهاجران چینی که قبلاً به صورت قانونی حضور داشتند، نمی‌توانستند شهروند آمریکایی شوند. تا دهه ۱۹۶۰ قوانین مهاجرت کانادا نسبت به افراد خارج از اروپا تبعیض قائل بود.

آیا باید بگوییم که احترام به حاکمیت دولت یا خودمختاری دموکراتیک مانع از این می‌شود که بگوییم این قوانین و سیاست‌ها ناعادلانه بوده است؟ من این را به عنوان یک سوال بدیهی مطرح می‌کنم. امروز هیچ گزارش موثقی از اصول دموکراتیک وجود ندارد که بتواند آنها را با قانون طرد چینی‌ها و قوانین نورنبرگ آشتی دهد. اما اگر مناسب باشد که این قوانین را ناعادلانه توصیف کنیم، نمی‌توان گفت که همیشه استفاده از زبان اخلاقی در مورد مهاجرت و سیاست‌های شهروندی نامناسب است. حاکمیت دولت و خودمختاری دموکراتیک محدودیت اخلاقی دارد. تصمیمات یک کشور حاکم ممکن است از نظر اخلاقی اشتباه باشد حتی اگر دولت از نظر اخلاقی حق تصمیم‌گیری در این زمینه را داشته باشد. اقدامات یک جامعه دموکراتیک ممکن است ناعادلانه باشد حتی اگر جامعه هیچ رویه دموکراتیکی را نقض نکرده باشد (جوزف کارنز، ۲۰۱۳).

جوزف در نهایت بحث باز بودن مرزها را با استدلالی فلسفی همراه می‌کند. بنگرید:

نکته‌ای که از نظر فلسفی بسیار حائز اهمیت است این است که درست است که «مرزهای باز» و «آزادی مردم برای مهاجرت» طرفداران زیادی ندارد لکن فکر می‌کنم شیوه سازماندهی امروز جهان اساساً ناعادلانه است. جهان امروز در جنبه‌های مهم خود بسیار شبیه فتودالیسم است. در دنیای ما که مرزهای آن بسته است، شهروندی و تابعیت یک وضعیت موروثی و یک منبع امتیاز است. متولد شدن به عنوان شهروند یک کشور ثروتمند در آمریکای شمالی یا اروپا بسیار شبیه به دنیا آمدن در اشراف در قرون وسطی است که این قضیه چشم‌انداز زندگی فرد را بسیار افزایش می‌دهد و متولد شدن به عنوان شهروند یک کشور فقیر در آسیا یا آفریقا

¹. Joseph H. Carens.

². Joseph H. Carens.

بسیار شبیه تولد در بین دهقانان در قرون وسطی است که این شانس زندگی فرد را بسیار محدود می‌کند. این مزایا و معایب به طور گسترده با محدودیت‌های جا به جایی مرتبط است؛ محدودیت‌هایی که به مشخصه‌های نظام دولتی مدرن تبدیل شده‌اند. نظم طبیعی امور این چنین نیست. این‌ها مجموعه‌ای از آرایش‌های اجتماعی است که بشر ساخته و برای حفظ آن تلاش می‌کند.

احتمالاً این استدلال نتواند بسیاری از افراد را در کشورهای ثروتمندی مانند کانادا و ایالات متحده قانع کند، در دوران قرون وسطا نیز متقاعد کردن بیشتر اشراف به اینکه فئودالیسم مشکلی دارد بسیار سخت بود. آنها خوشحال بودند که اعتقاد داشتند این امر توسط خداوند مقرر شده است یا نابرابری‌های عمیق اجتماعی اجتناب-ناپذیر است یا مواردی از این دست. مطمئن هستم که بیشتر مردم کشورهای ثروتمند تصور می‌کنند نوعی توجیه برای نحوه سازمان‌دهی جهان امروز و قابل دفاع بودن امتیازات آنها وجود دارد. چالش واقعی آنها این است: آیا داستانی وجود دارد که آنها بتوانند برای انسان‌های آن سوی شکاف فقیر و ثروت بیان کنند؟ داستانی که بتواند بگوید آرایش‌های موجود عادلانه است؟ اگر شهروندان کشورهای ثروتمند، در موقعیت افرادِ اِخراج شده و طرد شده قرار داشتند، باز هم گمان می‌کردند آرایش‌های کنونی منصفانه است؟ در نگاه من، جهان عادلانه جهانی خواهد بود که در آن اختلافات اقتصادی و سیاسی بین کشورها بسیار کاهش یابد و مردم بتوانند آزادانه هر جایی خواستند بروند (اما احساس اجباری بودن این کار را نکنند). این نوعی چیدمان است که می‌تواند برای همه قابل توجیه باشد.

از منظر سیاسی، سیاستِ مرزهای باز، امری محال و نشدنی است. اکثر مردم صرفاً چنین تلقی می‌کنند که دولت‌ها از لحاظ اخلاقی حق دارند مهاجرت را کنترل کنند. اما چون سیاست مرزهای باز امکان‌پذیر و عملی نیست از نظر اخلاقی و فلسفی نمی‌توان راجع به آن بحث نکرد؛ زیرا فلاسفه باید حقایق را همان‌طور که می‌بینند بیان کنند (حتی زمانی که این بازگرفتن حقایق عده‌ای از مردم را خشمگین کند) و اتخاذ دیدگاه انتقادی نسبت به ترتیب‌های موجود می‌تواند امر مهمی باشد، حتی اگر در حال حاضر نتوانیم تعداد زیادی از این ترتیب‌های اجتماعی را تغییر دهیم. روزگاری، نظام فئودالی عمیقاً جایگاه خود را مستحکم کرده بود. نهادهای برده‌داری هم همین‌طور مستحکم بودند. تا مدت‌ها هیچ‌امیدی برای تغییر این نظام‌های اجتماعی وجود نداشت. در عین حال، انتقاد و نقادی هم هنوز مناسب و مقتضی آن زمان نبود. اگر ما سؤالاتی بنیادین راجع به عدالت و بی‌عدالتی ترتیب‌ها و آرایش‌های اجتماعی خودمان را مطرح نکنیم، کارمان به اینجا می‌کشد که مجبوریم به آن چیزی که باید تحملش کنیم مشروعیت ببخشیم و آن را توجیه کنیم. درست است که به وجود آوردن دنیایی عادلانه با مرزهای باز هزینه زیادی را برای کشورهای ثروتمند در بر دارد، اما اینکه تفوق و برتری‌هایمان را به عنوان امتیازها و مزیت‌های ناعادلانه توصیف می‌کنم، تماماً بدین خاطر است که بگویم این هزینه‌ای است که باید آن را متحمل شویم. برخی سوالات و مسائل مهاجرت مثل تضاد بین حقوق شهروندان و مهاجران و ... برای این است که برخی می‌خواهند بگویند ما از لحاظ اخلاقی نسبت به چیزی که داریم محق هستیم و این چیزی است که من می‌خواهم آن را به چالش بکشم (جووزف کارنز، ۲۰۱۴).

¹. Joseph H. Carens.

در مجموع دیدگاه دوم که آزادی مرزها را توجیه می‌کند قابل دفاع‌تر است. حتی «ولمن» که از بسته بودن مرزها دفاع می‌کند به کشورها اجازه نمی‌دهد که حقوق انسانی را نقض کنند. بنگرید: رژیم‌های سیاسی مجاز به نقض حقوق بشر تحت پوشش حاکمیت دولت‌ها نیستند. ... لیبرال‌ها ممکن است درست تصور کنند که افراد حق دارند به شیوه‌ای عمل کنند که منافع خود را برآورده کنند، اما یک رژیم سیاسی، دارای مسئولیت اخلاقی است تا اطمینان حاصل کند که هیچ کس حقوق انسانی را از جانب اعضای آن نقض نمی‌کند. ... من در رابطه با منشور دولت، با اصرار بر دو مطلب، ضرورتاً به حقوق بشر احترام می‌گذارم: (۱) تنها دولت‌های مشروع دارای حق تعیین سرنوشت خود هستند و (۲) مشروعیت سیاسی باید از نظر حفاظت، رضایت بخش باشد و به حقوق بشر احترام بگذارد (ولمن، ۲۰۱۱). بنابراین اخلاق بنا بر برخی مبانی و اصول اساسی خود مانند آزادی انسان، کرامت انسان، حق انتخاب شغل برای انسان، و ... حکم می‌کند که مهاجرت به خودی خود و در نگاه نخست^۲ حق هر انسانی است. در نگاه نخست و بدون در نظر گرفتن شرایط خاص، هیچ کس این حق را ندارد که دیگران را از مهاجرت آزادانه منع کند. هر انسانی با توجه به اصل آزادی عمل خود و با توجه به کرامت انسانی خویش می‌تواند با خودآگاهی کامل اقدام به مهاجرت نماید و در بسیاری از موارد این مهاجرت در راستای یافتن و یا استمرار شغل انسان است.

در صورت باز بودن مرزها ممکن است بسیاری از شهروندان نگرانی‌هایی درباره فشار بر منابع، آشوب و اختلال اجتماعی و مواردی از این دست داشته باشند لذا باید میان وظیفه پذیرش مهاجران و نیازهای مردمی که در حال حاضر شهروندان آن کشور محسوب می‌شوند، تعادل و توازن برقرار شود. این یک نگرانی متعارف و عادی است، اما همین نگرانی، بخرنج و مسئله‌ساز هم هست (جوزف کارنر،^۳ ۲۰۱۴). با اولویت دادن حقوق شهروندان بر حاکمیت به بررسی این مسئله می‌پردازیم.

اولویت حقوق شهروندان بر حاکمیت

حکومت‌ها مسئولیت‌های مختلفی دارند و پرواضح است که مسئولیت اول حکومت‌ها در قبال شهروندان اصلی^۴ و افراد کشور خودشان است. برخی ممانعت‌های حاکمیت نسبت به نپذیرفتن مهاجران مربوط به رعایت حقوق شهروندان است. مهاجرت همان گونه که دارای مزایا و نقاط مثبت فراوانی است در برخی موارد نیز معایب و آسیب‌هایی به دنبال دارد. برخی آسیب‌های مهاجرت مربوط به خروج مهاجران از کشورهاست مانند از دست

^۱ Christopher Heath Wellman.

^۲ چیزی وظیفه‌ی در نگاه نخست است که صرف نظر از هر چیز دیگر، آن چیز وظیفه باشد؛ یعنی اگر سایر ملاحظات اخلاقی در کار نیاید، آن عمل وظیفه بالفعل باشد. برای تفاوت وظیفه در نگاه نخست و وظیفه در عمل بنگرید به ویلیام کی، فرانکنا. ترجمه هادی صادقی. *فلسفه اخلاق*. ص ۶۹ و ۷۰.

^۳ Joseph H. Carens.

^۴ منظور از شهروند در این مقاله تبعه و مردم کشور است. بررسی مفهوم شهروندی از موضوع مقاله کنونی خارج است. در این باره بنگرید به: بهارلویی، عبدالله و نعمتی میثم. (۱۳۹۶). «حقوق شهروندی، مؤلفه‌ها و مبانی آن و وظایف دولت در برابر آن» اندیشه‌های حقوق عمومی، ۱۱: دیلم صالحی، بهروز. (۱۳۹۳). «تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن». علوم سیاسی ۳۹: باب گوره، حسام‌الدین و عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۹۱). «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی». سیاست ۲۳ و عبدالله، مجید و صرافی، مظفر. (۱۳۸۷). «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور». پژوهش‌های جغرافیایی ۶۳.

رفتن سرمایه انسانی و خروج سرمایه کارآمد و پربازده و به تبع آن آسیب‌های اقتصادی^۱ (شهبازی، ۱۳۹۲). برخی آسیب‌های مهاجرت نیز مربوط به مهاجران ورودی است. آسیب‌های مهاجران ورودی در بسیاری موارد، دلیلی منطقی و پذیرفته شده برای جلوگیری از پذیرش بی‌رویه مهاجران است. این چالش‌ها باعث می‌شود حکومت‌ها حقوق شهروندان را در معرض خطر ببینند و برای رعایت مصالح مردم کشور خویش از پذیرش مهاجران ممانعت بورزند. برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند از: ازدیاد جرم (بهشتی، ۱۳۹۲)، تقابل فرهنگی و اختلاط اقوام (همان و زنجانی، ۱۳۸۰)، مشکل دوری از خانواده، اقوام و دوستان، اختلافات زناشویی و خانوادگی و در بعضی موارد طلاق (ذبیحیان و معتضد، ۱۳۸۱)، مشکلات هویت ملی و در پی آن بحران هویت (بهشتی، ۱۳۹۲)، مشکلات اقتصادی (ذبیحیان و معتضد، ۱۳۸۱)، رقابت نیروی کار در بازار (بهشتی، ۱۳۹۲)، دوگانگی بازار کار و تفاوت بسیار در دستمزد و شرایط کاری مهاجران با کارگران بومی (زنجانی، ۱۳۸۰)، موارد محیطی و مشکلات رشد جمعیت (همان و بهشتی، ۱۳۹۲)، مشکلات زبانی (بهشتی، ۱۳۹۲)، آسیب‌های روانی از افسردگی گرفته تا پرخاشگری و اختلال در روابط اجتماعی (همان)، بست‌نشینی، پناهندگی، و به عبارتی آوارگی (ذبیحیان و معتضد، ۱۳۸۱) و ...

در نظر گرفتن حقوق شهروندان از سوی حاکمیت به معنای مسئولیت نداشتن حاکمیت در مقابل مهاجران نیست. حاکمیت در قبال مهاجران در دو حوزه ورود به کشور و خروج از کشور، مسئولیت‌هایی دارد. مهاجران نیز در مقابل شهروندان و حاکمیت مسئولیت‌هایی دارند. پرداختن به همه ابعاد این مسئولیت‌ها از موضوع این مقاله خارج است؛ چراکه در این مقاله فقط در صدد تبیین مسئولیت‌های حاکمیت در قبال مهاجران ورودی کار بوده‌ایم. با توجه اینکه از سویی حقوق شهروندان بر حاکمیت دارای اولویت است و از سوی دیگر حاکمیت در قبال مهاجران ورودی مسئولیت دارد به این جمع‌بندی می‌رسیم که حاکمیت قبل از پرداختن به مسئولیت‌های خود در برابر مهاجران باید مصالح مردم کشور خویش را در نظر بگیرد و سپس به انجام وظایف خود در برابر مهاجران اقدام نماید.

دستورالعمل‌ها و کدهای اخلاقی

حکومت‌ها در ورود مهاجران نسبت به خروج مهاجران، قوانین سخت‌گیرانه‌تری وضع می‌کنند. شاید بتوان گفت بسیاری از دولت‌ها مزیت‌هایی برای ورود مهاجران متخصص و شاغلان ماهر و یا افراد با سرمایه و دارایی اقتصادی بالا قرار می‌دهند اما نسبت به نیروی کار ساده، کارگران و افراد با دارایی اندک چندان میلی برای ورودشان ندارند. به عبارت دیگر همان میزان که خروج مهاجران متخصص و شاغلان ماهر برای کشورهای مبدأ مشکل و آسیب حساب می‌شود، ورود چنین مهاجران متخصص و شاغلان ماهری برای کشورهای مقصد امتیاز به شمار می‌آید. بیشتر کشورها سعی در جذب متخصصان و شاغلان ماهر از سایر کشورها دارند. آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم، استخراج دستورالعمل‌های اخلاقی و یا همان کدهای اخلاقی مربوط به مسئولیت حاکمیت در ارتباط با مهاجران ورودی کار بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

^۱. به عنوان نمونه: افزایش نرخ ارز، تشدید تورم، بیکاری، افزایش نرخ بهره، کاهش سود سرمایه‌گذاری و ایجاد کسری در حساب موازنه پرداخت‌ها از جمله آثار کوتاه مدت آسیب‌های مهاجران خروجی است و کاهش رشد اقتصادی، فرسایش پایه مالیاتی و فیلتر شدن توزیع درآمد مهم‌ترین پیامدهای بلند مدت آن است.

مقصود از کدهای اخلاقی یا کد رفتاری، مجموعه رفتارهایی است که مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی است به گونه‌ای که تشخیص رفتار درست از نادرست را برای همگان امکان‌پذیر می‌سازد. به عبارت دیگر، کدهای اخلاقی، مجموعه‌ای از الزامات و تعهدهای اخلاقی افراد در یک حوزه فعلیتی خاص است که باید در عمل به آنها ملتزم باشند تا از این طریق، رفتارهای مرتبط با آن حوزه سامان یابد و حقوق صاحبان حق به واسطه پایبندی به آن کدها ادا گردد؛ بنابراین، کدهای اخلاقی، فرد را از اعمال و رفتاری که در شأن او نیست، پرهیز می‌دهد حتی اگر آن رفتار، غیرقانونی نباشد. با کدهای اخلاقی، فهرستی از بایدها و نبایدهای حرفه‌ای تبیین می‌گردد. ویژگی مهم کدهای رفتاری این است که تنها به بیان اصول و کلیات اخلاقی بسنده نمی‌کند بلکه در هر حوزه‌ای دقیقاً رفتار درست و نادرست تعیین می‌گردد، به گونه‌ای که در تشخیص رفتار غیراخلاقی، ابهام‌چندانی باقی نمی‌ماند. این ویژگی امکان نظارت بر رفتار افراد و شهروندان را در حوزه‌ای خاص فراهم می‌سازد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۷).

در ادامه مهم‌ترین کدهای اخلاقی حکومت‌ها نسبت به مهاجران ورودی کار بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌شود.

۱. حق خودمختاری حکومت‌ها در تعیین سرنوشت‌شان

کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند (ماده ۱ منشور ملل متحد).

اصل حق تعیین سرنوشت امروزه یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است. ماده یک منشور ملل متحد تحت عنوان اهداف و مقاصد ملل متحد از حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از مبانی و پایه‌های روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها و ملت‌ها یاد کرده است. این اصل در احترام به اصل حقوق برابر و برابری منصفانه‌ی فرصت‌ها، به ملت‌ها این حق را می‌دهد که حکومت و وضعیت سیاسی خود را بدون هر گونه اکراه یا دخالت خارجی انتخاب کنند. بر اساس این اصل همه مردم آزادانه حق دارند وضعیت سیاسی خود را تعیین کرده و هیچ دولت خارجی حق مداخله در این زمینه را نداشته و موظف است این حق را طبق منشور ملل متحد به رسمیت شناخته و رعایت کند. دیوان بین‌المللی دادگستری معروف به دادگاه جهانی و رکن قضایی سازمان ملل متحد برای رسیدگی به اختلافات قانونی میان کشورها در آراء متعددی بر اصل حق تعیین سرنوشت صحه گذاشته است (حسن‌پور و صفدری شریبانی، ۱۳۹۶) و (اخوان خرازیان، ۱۳۸۶).

سند نهایی هلسینکی^۱ اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم را به این صورت تعریف کرده است: «منظور از اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم این است که همه مردم، همیشه حق دارند در آزادی کامل، هر وقت و به هر نحوی که مایل باشند وضعیت سیاسی داخلی و خارجی‌شان را بدون مداخله خارجی تعیین کنند و به هر نحوی که مایل‌اند، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را دنبال نمایند.» (اخوان خرازیان، ۱۳۸۶).

بر اساس این اصل کشورها و حکومت‌ها بدون هیچ‌گونه دخالت خارجی نسبت به تعیین سرنوشت خود در تمام امور و از جمله مهاجرت خودمختار هستند و می‌توانند با توجه به مصالح ملی خود تصمیم‌گیری نمایند و تا جایی که ضداخلاقی نباشد می‌توانند محدودیت‌هایی برای مهاجران ورودی کار ایجاد کنند. این حق به ضمیمه

^۱. Helsinki Final Act.

چالش‌های مهاجران ورودی که بدان اشاره شد به حکومت‌ها اجازه اخلاقی می‌دهد که از پذیرش بی‌رویه مهاجرت جلوگیری کنند. به عبارتی اولویت اول حکومت‌ها نسبت به شهروندان خودشان است و اگر تشخیص دهند در شرایطی ورود مهاجران کار ممکن است برخی حقوق شهروندان را مورد مخاطره قرار دهد و مثلاً شرایط اشتغال آنان را به خطر اندازد می‌توانند از ورود مهاجران ورودی کار ممانعت ورزند. حکومت‌ها از نظر اخلاقی مجازند محدودیت‌هایی برای مهاجران ورودی کار وضع کنند.

۲. جواز ورود و بازگشت مهاجران به خارج رفته

هر انسانی محق به بازگشت به کشور خویش است (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۳). بر اساس ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ دولتی نباید تابعیت شهروندان خود را لغو کند و آنان را وادار به مهاجرت به خارج کشور کند و نباید از آنها سلب تابعیت کند. همچنین هیچ دولتی نباید حق تغییر تابعیت [ملیت] را از شهروندان خود دریغ نماید. با توجه به این حق، مهاجرانی که از کشوری خارج شده‌اند در صورتی که بخواهد برای اشتغال به کشورشان بازگردند، حق ورودشان برای همیشه در شرایط نخست محفوظ است و حکومت‌ها باید آنان را بپذیرند.

۳. احترام به حق زندگی

هر انسانی حق زندگی دارد (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۳). مهم‌ترین حق انسان، حق حیات است و سایر حقوق از این حق نشأت می‌گیرند، زیرا اگر زندگی و حیاتی نباشد حقوق دیگر مصداقی نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸). اگر مهاجران برای اشتغال وارد کشوری شده باشند هر چند ورود آنها غیرقانونی باشد، حکومت‌ها حق کشتن آنها را ندارند و باید به گونه‌ای که خلاف اخلاق نباشد با آنها برخورد و یا آنان را بازگردانند. مسئولیت حفظ حق زندگی مهاجران بر عهده حکومت‌هاست و نه تنها خود حکومت نباید این حق اساسی را پایمال کند بلکه در مقابل دیگران نیز باید از این حق مهم و طبیعی پاسبانی نماید.

۴. ارتباط و برخورد عادلانه به ویژه با مهاجران قانونی

بر اساس ماده ۱ اعلامیه که می‌گوید «تمام ابنای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آن‌ها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند.» دولت‌ها موظف‌اند نسبت به مهاجران رفتار عادلانه داشته باشند به ویژه اگر به طور رسمی و قانونی مهاجران را پذیرفته باشند و تا حد امکان باید نسبت به مهاجران و شهروندان (خصوصاً در خدمات آموزشی و بهداشتی) رفتار برابر داشته باشند. بنابراین برخورد حکومت‌ها با مهاجران ورودی کار باید طبق ضوابط اخلاقی و عادلانه باشد. می‌بایست بین مسائل مربوط به «پذیرش مهاجران» با «نوع رفتار با مهاجرانی که در حال حاضر در کشوری حضور دارند» تفاوت قائل شد. بر فرض اینکه کشورها مرزهای خود را نسبت به پذیرش مهاجران کنترل کنند اما نسبت به مهاجرانی که پذیرفته شده‌اند یا مهاجرانی که در کشورشان حضور دارند محدودیت‌های اخلاقی‌ای در رابطه با نوع برخورد با آنان وجود دارد. برخی از مردم ممکن است چنین بگویند که «مهاجران غیرقانونی» به

هیچ وجه هیچ‌گونه حق قانونی ندارند، آن هم دقیقاً بدین خاطر که صرفاً حضور آن‌ها در کشور «غیرقانونی» است. اما اگر همان‌ها که این حرف را می‌زنند، برای لحظه‌ای راجع به این مسئله تفکر کنند، دیگر از این دیدگاه خود دفاع نخواهند کرد. این حقیقت که مهاجران بدون اجازه در جایی ساکن شده‌اند، بدین معنی نیست که اکنون ضرب و شتم آن‌ها، کشتن آن‌ها و یا حتی دزدی از آن‌ها مشکلی ندارد؛ حتی «غیرقانونی‌ها» هم این حق را دارند که از برخی حقوق اولیه انسانی آن‌ها حراست و حفاظت شود و اکثر مردم هم اصولاً این مسئله را تصدیق می‌کنند و آن را قبول دارند (جوزف کارنز، ز، ۲۰۱۴).

۵. لزوم حفظ امنیت مهاجران

دولت‌ها همان‌گونه که حق به هم زدن زندگی و امنیت فردی (و اجتماعی) شهروندان را ندارند، باید به حق زندگی و امنیت فردی (و اجتماعی) مهاجران احترام بگذارند. مهاجران نیز حق به هم زدن زندگی و امنیت فردی و اجتماعی شهروندان و سایر مهاجران را ندارند (بر اساس اعلامیه حقوق بشر، ماده ۳).

۶. ممنوعیت بردگی، آزار و داد و ستد مهاجران

دولت‌ها نباید مهاجران را به بردگی بگیرند و یا آنان را داد و ستد کنند (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۴). همچنین دولت‌ها نباید خودسرانه مهاجران را توقیف یا حبس و یا تبعید کنند (همان، ماده ۹). اگر مهاجران برای اشتغال وارد کشوری شده باشند هرچند ورود آنها غیرقانونی باشد، بردگی و داد و ستد آنان ممنوع است.

مهاجران نباید از سوی دولت‌ها، یا شهروندان و یا سایر مهاجران مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی یا رفتاری قرار گیرند که منجر به تنزل مقام انسانی آنها گردد. مسئولیت پاسداری از این حق بر عهده حکومت‌ها است (همان، ماده ۱۵).

با توجه به این مواد نمی‌توان مهاجران ورودی کار را بی‌دلیل شکنجه نمود. حتی در صورت ارتکاب جرم توسط مهاجران حکومت‌ها باید رفتاری عادلانه و طبق حقوق قضائی مهاجران داشته باشند.

۷. مسئولیت حاکمیت در مقابل حقوق قضائی مهاجران

حقوق مهاجران باید مانند سایر افراد در برابر قانون به رسمیت شناخته شوند (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۶) و مانند سایر افراد در برابر قانون برابر باشند (همان، ماده ۷). مهاجران باید حق دسترسی مؤثر به مراجع دادرسی از طریق محاکم ذی‌صلاح را مانند سایر افراد داشته باشند (همان، ماده ۸). هر مهاجری مانند سایر انسان‌ها سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی‌طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند (همان، ماده ۱۰). هر مهاجری که به جرمی کیفری متهم شود مانند هر شخص متهمی، سزاوار و محق است تا زمان احراز و اثبات جرم در برابر قانون، در محکمه‌ای علنی که تمامی حقوق وی در دفاع از خویشتن تضمین شده باشد، بی‌گناه تلقی شود. هیچ مهاجری به حسب ارتکاب هرگونه عمل یا ترک عملی که مطابق قوانین مملکتی یا بین‌المللی، در زمان وقوع آن، حاوی

¹. Joseph H. Carens.

جرمی کیفی نباشد، نمی‌بایست مجرم محسوب گردد. نمی‌بایست مجازاتی شدیدتر از آنچه که در زمان وقوع جرم [در قانون] قابل اعمال بود، بر فرد تحمیل گردد (همان، ماده ۱۱). مهاجرانی که به صورت قانونی وارد کشوری شده‌اند نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرند. به همین سیاق شرافت و آبروی آنان نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر مهاجری سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تهاجماتی است (همان، ماده ۱۲). البته پیشنهاد می‌شود برای شناخت جرایم و اعمال مجازات‌ها طبق مذهب هر شخص برای او حکم شود. بر اساس این مواد برخورد با مهاجران ورودی کار حتی افرادی که به صورت غیرقانونی وارد کشوری شده‌اند باید عادلانه باشد و نباید مجازات‌های نامتناسب با جرم‌شان ایجاد شود.

۸. حق ازدواج آزاد مهاجران

دولت‌ها باید حق ازدواج آزاد مهاجران قانونی را محترم بشمارند و نباید این حق را پایمال کنند (همان، ماده ۱۶). مهاجران ورودی کار حق ازدواج آزاد دارند و مسئولیت صیانت از این حق با حکومت‌هاست.

۹. حق دین آزاد مهاجران

دولت‌ها باید حق دین آزاد مهاجران قانونی را محترم بشمارند و نباید این حق را پایمال کنند (همان، ماده ۱۸). حق دین آزاد برای مهاجران ورودی کار ثابت است و مسئولیت پاسداشت این حق با حکومت‌هاست.

۱۰. حق مالکیت مهاجران

بر اساس ماده ۱۷ اعلامیه که می‌گوید: «هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران حق مالکیت دارد. هیچ‌کس را نمی‌بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد.» دولت‌ها باید حق مالکیت مهاجران قانونی را محترم بشمارند و نباید این حق را پایمال کنند. حق مالکیت مهاجران ورودی کار محترم است و حکومت‌ها نباید مالکیت آنان را مخدوش کنند.

۱۱. حق شغل آزاد مهاجران

هر مهاجری حق دارد مانند سایر انسان‌ها صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است و باید بتواند بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت نماید. هر مهاجری مانند سایر انسان‌ها که کار می‌کنند سزاوار دریافت پاداشی منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده خویش موافق با حیثیت و کرامت انسانی بوده و نیز می‌بایست در صورت نیاز از پشتیبانی‌های اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد و باید بتواند برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد یا به اتحادیه‌های صنفی بپیوندد (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۲۳). هر مهاجری سزاوار استراحت و اوقات فراغت، زمان محدود و قابل قبولی برای کار و مرخصی‌های دوره‌ای همراه با حقوق است (همان، ماده ۲۴).

حکومت‌ها حق ندارند مهاجران ورودی کار را الزام و اجبار به کار خاصی نمایند و باید حق انتخاب شغل آنان را محترم بشمارند.

مهاجران قانونی باید از بیشترین حقوق شهروندی برخوردار شوند و در عمل دولت‌ها معمولاً این کار را انجام می‌دهند. کارگران موقت نیز باید از حقوق شهروندی برخوردار باشند. برخی محدودیت‌ها در طول مدت اقامت و برخی محدودیت‌ها در دسترسی به برنامه‌های اجتماعی توزیع مجدد ممکن است قابل دفاع باشند، اما کارگران موقت باید به طور عادی از حقوق محل کار مانند ساکنان و شهروندان برخوردار باشند و یا باید به برنامه‌های اجتماعی مربوط به کار دسترسی داشته باشند. محدودیت‌های دیگر در حقوق مهاجران موقت معمولاً دارای یک عنصر اخلاقی و استثماری است که در آن‌ها ساخته شده است و من استدلالاتی را که به دنبال توجیه این محدودیت‌ها هستند نقد می‌کنم (جوزف کارنز، ۲۰۱۳).

البته حکومت‌ها می‌توانند تا جایی که ضداخلاقی نباشد متقاضیان بومی اشتغال را نسبت به مهاجران کار در اولویت قرار دهند. همچنین می‌توانند از تخصص‌ها و مهارت‌های مهاجران برای بومی‌سازی و آموزش به شهروندان بهره‌مند شوند یا تعهداتی به منظور اشتغال‌زایی و به کارگیری شهروندان توسط مهاجران صاحب‌کار اخذ نمایند.

۱۲. حق زندگی آرام مهاجران

هر مهاجری مانند سایر شهروندان سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد. دوره مادری و دوره کودکی سزاوار توجه و مراقبت ویژه است. همه کودکان، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند (همان، ماده ۲۵).

مهاجرانی که برای اشتغال ترک وطن نموده‌اند و برای کار وارد کشوری شده‌اند مشکلات خاص خود را دارند و مسئولیت تأمین زندگی آرام و حقوق مذکور آنان در این ماده با حکومت است.

۱۳. بهره‌مندی از بهداشت و آموزش و پرورش

آموزش و پرورش حق همگان است. مهاجران نیز مانند همگان می‌بایست، دست کم در دوره‌های ابتدایی و پایه، بتوانند از آموزش و پرورش همگانی و رایگان استفاده کنند (همان، ماده ۲۶).

دولت و جامعه موظف‌اند که برای هر انسان و مهاجری تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز، برحسب امکانات موجود، فراهم نمایند (همان، ماده ۱۷).

مهاجرانی که به منظور اشتغال وارد کشوری شوند خود، خانواده و اطرافیان‌شان حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش و بهداشت را دارند و مسئولیت این حقوق بر عهده حاکمیت است. تا حد امکان باید این حقوق به ویژه مراحل ابتدایی آن، برای همگان رایگان باشد و در صورت فراهم نبودن خدمات رایگان، خدمات ارزان مورد انتظار است.

¹. Joseph H. Carens.

۱۴. وضع قوانینی برای محدودیت‌های مهاجران

هر مهاجری وظایفی در قبال جامعه‌ای دارد که تنها رشد آزادانه و کامل شخصیت وی در آن امکان‌پذیر است. هر کس در تحقق آزادی و حقوق فردی، می‌بایست تنها زیر محدودیت‌هایی قرار گیرد که به واسطه قانون، فقط به قصد امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش شرط‌های عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد (همان، ماده ۳۹).

با توجه به چالش‌ها و آسیب‌های مهاجران ورودی برای کشورها و شهروندان جامعه که بدان اشاره شد و با توجه به اولویت حقوق شهروندان بر حاکمیت و بنا بر این ماده، حکومت‌ها می‌توانند محدودیت‌هایی را برای مهاجران نسبت به مراعات امنیت، حقوق و آزادی‌های اجتماعی حقوق شهروندان جامعه وضع کنند. همچنین دولت‌ها می‌توانند به طور مقطعی، متقاضیان را پس از ورود به کشور کنترل کنند.

جدول شماره ۱- کدهای اخلاقی حاکمیت نسبت به مهاجران ورودی کار

سند	کد اخلاقی
ماده یک منشور ملل متحد.	حق خودمختاری حکومت‌ها در تعیین سرنواشت‌شان
ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	جواز ورود و بازگشت مهاجران به خارج‌رفته
ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	احترام به حق زندگی
ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	ارتباط و برخورد عادلانه به ویژه با مهاجران قانونی
ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	لزوم حفظ امنیت مهاجران
ماده ۴، ۵ و ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	ممنوعیت بردگی، آزار و داد و ستد مهاجران
ماده ۶ تا ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	مسئولیت دولت در مقابل حقوق قضائی مهاجران
ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	حق ازدواج آزاد مهاجران
ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	حق دین آزاد مهاجران
ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	حق مالکیت مهاجران
ماده ۲۳ و ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	حق شغل آزاد مهاجران
ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	حق زندگی آرام مهاجران
ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	بهره‌مندی از آموزش و پرورش و بهداشت
ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر.	وضع قوانینی برای محدودیت‌های مهاجران

نتیجه‌گیری

مجموعه نتایج یافت‌شده که در ذیل فهرست شده است از دستاوردهای این پژوهش است که با مطالعه و تدقیق نظر در آیات قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر حاصل گردیده است. این دستاوردها عبارت است از:

۱. مجامع ملی و بین‌المللی به منظور مدیریت کارآمد مهاجرت بایستی به موازین اخلاقی مهاجرت توجه وافری نمایند و پیشنهاد می‌شود مجامع ملی و بین‌المللی کدهای اخلاقی مهاجرت کاری را تدوین نمایند.
۲. مهاجرت درون مرزهای هر مملکتی برای همگان آزاد است.
۳. آزادی انتخاب شغل یکی از حقوق مسلم هر انسانی است و حکومت‌ها نباید مانع آن شوند.

۴. مسئولیت حاکمیت از سنخ مسئولیت حقوقی است و حاکمیت هم در قبال حقوق شهروندان خود و هم در برابر حقوق مهاجران مسئولیت دارد.
۵. در نگاه نخست و فارغ از عوارض، عدالت و آزادی اقتضای باز بودن مرزها را دارد.
۶. حقوق شهروندان بر حاکمیت نسبت به حقوق مهاجران در اولویت است.
۷. چالش‌ها و آسیب‌های مهاجران ورودی به حکومت‌ها اجازه اخلاقی می‌دهد که به خاطر رعایت مصالح و حقوق شهروندان خویش از پذیرش مهاجران بی‌روبه به قصد شغل جلوگیری کنند.
۸. حکومت‌ها در تعیین سرنوشت‌شان خودمختار هستند و تا جایی که ضداخلاقی نباشد می‌توانند محدودیت‌هایی برای مهاجران ورودی ایجاد کنند.
۹. مهاجران به خارج‌رفته حق بازگشت به کشور خود را داند.
۱۰. حاکمیت باید حق زندگی مهاجران را محترم بشمارد.
۱۱. حاکمیت در ارتباط و برخورد با مهاجران به ویژه مهاجران قانونی باید عادلانه رفتار نماید.
۱۲. حفظ امنیت مهاجران مسئولیت حکومت‌هاست.
۱۳. بردگی، داد و ستد، آزار و شکنجه مهاجران ممنوع است.
۱۴. مسئولیت مراقبت از حقوق قضائی مهاجران با حکومت‌هاست.
۱۵. حق ازدواج آزاد، دین آزاد و مالکیت و شغل آزاد مهاجران باید از سوی حکومت‌ها محترم شمرده شود.
۱۶. زندگی آرام و بهره‌مندی از آموزش و پرورش و بهداشت حق مهاجران است و مسئولیت صیانت از آن با حاکمیت است.
۱۷. اخراج مهاجران قانونی ممنوع است.

منابع

قرآن کریم.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در مجمع بین‌المللی سازمان ملل متحد در پاریس).
- اخوان خرازیان، مهناز، (۱۳۸۶) «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد». مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۶، صص: ۴۵-۱۴۲.
- اسلامی، محمدتقی، دبیری، احمد و علیزاده مهدی، (۱۳۸۸)، /اخلاق کاربردی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- امید، مسعود، (۱۳۸۰)، درآمدی بر اخلاق شناسی حکمی و فلسفی استاد محمدتقی جعفری، مجله نقد و نظر، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۳۹۸-۴۴۰.

باب گوره، حسام‌الدین و عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۹۱) «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی». مجله علمی پژوهشی سیاست، شماره ۲۳، صص: ۱۸۵-۲۰۶.

بهارلویی، عبدالله و نعمتی، میثم، (۱۳۹۶) «حقوق شهروندی، مولفه‌ها و مبانی آن و وظایف دولت در برابر آن» اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱۱، صص: ۴۱-۵۸.

بهشتی، مرتضی، (۱۳۸۲)، پرواک مهاجرت، تهران: کتاب نیستان.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، حق و تکلیف در اسلام، قم: انتشارات مؤسسه اسراء، چاپ سوم.

حسن پور، محمد، صفدری شریبانی، جاوید، (۱۳۹۶)، «مبانی امنیت ملی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر منشور ملل متحد»، مطالعات حقوقی، شماره ۱۴، صص: ۷۱-۹۰.

دبلم صالحی، بهروز، (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن». علوم سیاسی، دانشگاه آزاد کرج، شماره ۲۹، صص: ۹۱-۱۱۴.

ذبیحیان یدالله و معتضد، خسرو، (۱۳۸۱)، ایرانیان در مهاجرت. تهران: انتشارات البرز.

زنجانی، حبیب‌الله، (۱۳۸۰)، مهاجرت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

سبحانی‌نیا، محمدتقی، (۱۳۹۷)، اخلاق رانندگی. قم: انتشارات باهوش.

سعید محمدی، گفت‌وگوی گری گاتینگ با جوزف کارنز که در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴ در وبسایت نیویورک تایمز منتشر شده و سعید محمدی این مصاحبه را در وبسایت ترجمان با عنوان «مهاجران تا کجا انسان به حساب می‌آیند؟» ترجمه کرده و در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۴ منتشر شده است.

شهبازی، مظفرالدین، (۱۳۹۲)، مهاجرت نخبگان علمی در عصر جهانی شدن. تهران: انتشارات ندای آریانا.

صادقی، رسول، غفاری، غلامرضا و رضایی، مریم، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران، مجله علمی پژوهشی مطالعات جمعیتی، شماره ۸، صص: ۸۳-۱۰۸.

عبداللهی، مجید و صرافی، مظفر، (۱۳۸۷)، «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور». پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص: ۱۱۵-۱۳۴.

علمی، ابراهیم (۱۳۹۸)، جهانی شدن، مهاجرت‌های بین‌المللی و زبان‌ها، مجله علمی پژوهشی سیاست، شماره ۴۹، صص: ۱۴۷-۱۶۵.

فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۳)، «روش‌شناسی مسئولیت‌پذیری سازمان»، نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۴۹ و ۵۰، صص: ۲۲۵-۲۳۶.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران، انتشارات نی، چاپ چهارم.

محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳)، جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران، مجله علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۵، صص: ۲۰۹-۲۳۲.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *فلسفه/اخلاق*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

منشور ملل متحد، (مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی، در سانفرانسیسکو).

موحدی، رضا و سامیان، مسعود (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان در شهرستان سردشت، فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌های انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۴۲، صص: ۱۶۳-۱۷۷.

ویلیام کی، فرانکنا. (۱۳۸۹). *فلسفه/اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم. کتاب طه. چاپ سوم.

Caleb Yong. (2017). Immigration Rights and the Justification of Immigration Restrictions. *Journal of Social Philosophy* 48 (4):461-480.

Christopher Heath Wellman, Phillip Cole, (2011). Debating the Ethics of Immigration: Is There a Right to Exclude? Published to Oxford Scholarship Online: May 2015.

David Martinez. Alexander Elliott. (2021). Realizing immigration as a human right. Published Sociology. *European Journal of Social Theory*.

<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>.

Joseph H. Carens, (2013). The ethics of immigration. Oxford University Press.

Joseph H. Carens, (2014). « When Immigrants Lose Their Human Rights? » By Gary Gutting and Joseph Carens. November 25, 2014. (<https://opinionator.blogs.nytimes.com/2014/11/25/should-immigrants-lose-their-human-rights/>)

Universal Declaration of Human Rights.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی